

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

فرخنده باد شصتیمین سالگرد رویداد دوران ساز اکتبر بزرگ!

تزه‌های کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت شصتیمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر



انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که تحت زب کمنیست اتحاد شوروی و پیشوای داهی تحقق یافت ، نه تنها بزرگترین رویداد سده بزرگترین حادثه تاریخ انسانی است ، زیرا این انقلابی است که در جبهه سرمایه شکافی ساخت و بر پایه اتحاد رزمنده کارگروه‌ها ، حزب انقلابی طراز نوین پرلتاری ' راه را بسوی فارغ از ستم طبقاتی و مای گشود ، یعنی به نمان از انسان و استثمار خلفا ، در یک ششم سال داد و اکثریت محروم را از اسارت و تحقیر لیت ممتاز رهایی بخشید و بقدرت حاکمه‌ها رساند انسانی اعضا جامعه را بمعنای همه جانبه وجدی ه نه تنها اعلام ، بلکه تضمین کرد .

انقلاب اکتبر به سوسیالیسم علمی مارکس و که تا امروز تنها یک آموزش انقلابی و یک شماعی بود ، جامعه عمل پوشاند و نتیجه گیریهای یک مارکس و انگلس را از انقلاب کمون ز پایه ضرورت استقرار دیکتاتوری پرلتاریا یعنی ای اکثریت زحمتکش جامعه ، بعنوان شرط نالی از جامعه طبقاتی به جامعه بدون طبقات شید .

انقلاب اکتبر آنچنان نیروی مادی و معنوی از بطن تاریخ معاصر بیرون کشید و وارد روزه ساخت ، که دشمنانش هرگز قادر به نبودند . این نیروها آنچنان پویا ، بی‌کار جو ز مؤثرند که تا کوبت پاتلاش خلاق خود ، بینی ها و زمینه چینی‌های دشمنان طبقاتی را روبرو ساخته و بیش از پیش درحوادث تاریخ ایت ژرف خود را باقی میگذارند . این تاثیر گونی بنیادی سرپای جامعه بشری و پیروزی سانی تابناک مارکس ، انگلس و لنین ، در همان باقوتی فزاینده ادامه خواهد یافت .

انقلاب اکتبر صحت مشی بلشویکها را درمقابل نوتیستی جناح راست احزاب سوسیال دمکرات اجات و موجد بیدایش احزاب طراز نوین کارگری شدن فضلی جهان شد .

پیروزی انقلاب اکتبر دوران نوینی در تاریخ یعنی دوران گذار از سرمایه‌داری بسوسیالیسم است .

لنین پیشوای کبیر انقلاب و بنیاد گزار از نوین طبقه کارگر توانست پیروزی آنرا با نخص فکری و علمی ، سیاسی و سازمانی خود ، تدارک و تأمین کند . وی با پیگیری و علمیت و دقت بی نظیری ، آموزش مارکس را بررسی کرد و جوهر انقلابی را از منطله‌های تی تئورسین های انترناسیونال دوم رهایی بخشید وژش را بر شرایط ویژه دوران انطباق داد و در ارکسیسم را در شرایط ورود سرمایه‌داری جهانی امپریالیستی آن گسترش بخشید و احکام نی تر ساخت و امکان پیروزی سوسیالیسم را کشور جدا گانه در تئوری و در عمل به ثبوت بدینسان در عرصه علم و عمل خود را وارث و نده مارکس و انگلس و از جهت سازمانگری تنظیم استراتژی و تاکتیک آن و رهبری همه

جانبه‌اش خود را در قله قدرت و صلاحیت نشان داد . بهمین جهت عنوان مارکسیسم بحق با لنینسم که بسط خلاق آن در شرایط نوین تاریخی است تکمیل میشود .

این آموزش در شرایط کنونی نیز از جهت اصول اساسی خود در زمینه فلسفه ، اقتصاد ، کمونیسم علمی ، اصول ساختمان حزب طراز نوین طبقه کارگر و غیره ، طراوت و طلیعت خویش را محفوظ داشته است . حزب کمنیست اتحاد شوروی و سرپای جنبش انقلابی پرلتاری جهانی پلرانیسم وسیع خود این آموزش را دمبلم با احکام و مقولات نو غنی میسازند و اینکار در عین نبرد با انحرافات چپ ، راست و تجدید نظر طلبی ضد اصولی ، که مارکس و انگلس ولین همیشه و با پیگیری بی امان علیه آن رزمیده‌اند ، انجام میگیرد و از پاکیزگی اصول تئوری انقلابی دفاع فعال بعمل می‌آید .

لنین می‌آموزد که بدون تئوری انقلابی عمل انقلابی میسر نیست . لنین می‌آموزد که تئوری انقلابی مارکس و انگلس همه تواناست ، زیرا حقیقت است . این تئوری در پیوند با جنبش توده ها قادر است . جهان را در جهت منافع این توده هاد گروگون کند .

حزب کمنیست اتحاد شوروی که لنین بزرگ آنرا در نبرد با اپورتونیزم چپ و راست ، بنیاد گذارد ، عقل و شرف و وجدان جامعه شوروی و تاریخ دوران ماست . این حزب با انطباق خلاق و اصولی ارثیه معنوی مارکس و انگلس و لنین بر شرایط و عرصه‌های مختلف توانست ساختمان دولتی و سیاست اقتصادی خارجی و داخلی دولت سوسیالیستی را در هر لحظه معین ، بشکل مشخص روشن سازد ، بوقوع عوام‌فریبان چپ ، و سازشکاران راست را بر ملا کند ، کادر های لازم را برای متنوعترین وظایف سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، علمی ، فرهنگی ، هنری و غیره پرورده و آنها را بوقوع خود پیش کشد و در جای لازم قرار دهد ، دمکراسی سوسیالیستی را که از جهت ماهیت خود دمکراسی خلق است ، دمبلم بسط دهد و مکانیسم آنرا کاملتر سازد . در عرصه تولید صنعتی و کشاورزی و توزیع و خدمات و ارتباطات و آموزش و پژوهش و بهداشت و رفاه عمومی ، طی نقشه های پنجساله ، گلهای غول آسانی به پیش بردارد . هرگز در تاریخ بشر چنین نیروی متشکل ، آگاه از قوانین حرکت تاریخ توانا برای استفاده ماهرانه از تحرك توده ها وجود نداشته است ، این ناخدای آرموده ایست که کشتی انقلاب را از اسواج طوفانی تاریخ معاصر گذرانده و آنرا با اطمینان بسوی کرانه کلمیابی به پیش میبرد و بحق گردان پیشگام و نیروی عمده روند انقلاب جهانی بشمار میرود .

حزب کمنیست اتحاد شوروی نمونه برجسته حزب طراز نوینی است که لنین آنرا اهرم سیاسی تحولات بنیادی اجتماعی میدانست ، تجارب سازمانی این حزب مانند اجراء پیگیری اصل مرکزیت دموکراتیک ، رهبری علمی و جمعی ، انضباط یکسان درصنر و ذیل ، وحدت اراده و عمل ، مشخص بودن مشی سیاسی و سازمانی ، آموختن از توده‌ها ، آموختن از توده‌ها و غیره بی‌سبب گرانتهاست . بدون چنین حزبی ، پرلتاریا و دیگر نیروهای انقلابی قادر نمیبودند به وظایف عظیم و بفرنجی که برابرشان بود جامعه عمل ببوشانند .

تجربه اتحاد شوروی در ساختمان زیربنای نوینی سوسیالیسم و سیر بطرف سوسیالیسم رشد یافته وتدارک

پایه‌های مادی و فنی کمونیسم دارای اهمیت و دامنه جهانی - تاریخی است . آنهائی که میبایند این تجربه را یک تجربه محلی جلوه گرزاند و از اهمیت جهانشمول آن بکاهند ، اگر نیت نادرستی را دنبال نکنند ، لااقل متهورتنگ نظریه‌های محلی شده‌اند . جریانات مختلفی که خود را تحت عنوان ' مائوتیسم ' ، ' تئورو کمونیسم ' ، یا اصطلاحات مارکسیستی - لنینستی می‌آرایند ، ولی محتوی انترناسیونالیستی و طبقاتی آنرا تحت عنوان ' خلافت ترنتوری ' و یا ' انطباق مارکسیسم بر ویژگیها ' مخدوش میکنند ، به امر مشترک پرلتاریای جهانی در نبرد شوارش علیه سرمایه زبان می‌رسانند . تردیدی نیست که تاریخ در سیر عبرت انگیز خود این مکاتب را مانند انواع مکاتب نظیر بالناکاسی روبرو خواهد کرد و خلافت اصیل و علمی و انقلابی را بر تجدید نظر طلبی های دمساز گرانه و فرصت طلبانه پیروز خواهد ساخت .

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که اتحاد داوطلبانه صد ملت مختلف در سرزمین پهناوری برابر یک ششم زمین است ، زاده انقلاب اکتبر و پاسدار و ادامه دهنده راه آنست . انقلاب اکتبر علیرغم دشواری های عظیم ، راه خود را پیروزمندانه بسوی جلو گشود و بر مداخله گران بیگانه و ژنرالهای تساری که خواستار بازگشت به گذشته بودند در جنگ داخلی غالب آمد ، دشواریهای عظیم اقتصادی دوران احیاء اقتصادی پس از جنگ داخلی را حل کرد ، کشور را بسوی صنعتی شدن سوسیالیستی و جمعی شدن کشاورزی سوق داد و در برابر تعرض بربر مشانه دد فاشیستی با یقیناری حماسی ایستاد و ضربات کوبنده ای بر این دد وارد ساخت و سرانجام آنرا در کماش نابود کرد . پس از جنگ دوم جهانی اتحاد شوروی در برابر شانز انده امپریالیستی و جنگ سرد و انواع فشارهای اقتصادی و تهدید های نظامی و تحریکات سیاسی امپریالیستها و بر رأس آن امپریالیسم امریکا دهها سال مانند کوه پابرجا ماند و علیرغم شرایط دشوار و نامساعد ، جراحات فراوان جنگ را التیام بخشید و اقتصاد شکوفانی بر پایه علم و فن معاصر بوجود آورد . نه تنها توطئه امپریالیستی برای نابود ساختن حاکمیت شوروی شکست خورد ، بلکه در اثر پیروزی بر فاشیسم و ملیتاریسم ژاپن یک سلسله کشورهای اروپا و آسیا از قید سرمایه آزاد شدند و سیستم جهانی سوسیالیستی بوجود آمد و تجاوزات خونین امپریالیسم امریکا برای نابود کردن کشور های سوسیالیستی کره شمالی ، ویت نام و کوبا با شکست رسوا مواجه گردید . یکی از پدیده های مهم پس از جنگ دوم جهانی تکامل یکسلسله از کشورهای جامعه سوسیالیستی به سطح جامعه سوسیالیسم رشد یافته و علمی شدن روند هم پیوندی (اتنگرا سیون) سوسیالیستی است که اتحاد شوروی در آن نقش مرکزی ایفاء میکند . سیاست جهاننگ جامعه سوسیالیستی ضامن عمده صلح و ترقی است و نقش درجه اولی در حیات بین المللی عصر ما ایفاء کرده و میکند .

انقلاب اکتبر اثراتی ژرف در همه حوادث دوران معاصر باقی گذاشت . در اثر پیروزی این انقلاب و استقرار حاکمیت پرلتاریا و ساختمان جامعه نوین

سوسیالیستی ، تحولات عظیمی در سراسر جهان و جامعه بشری انجام گرفته و میگردد . در نتیجه این انقلاب یحران عمومی سرمایه‌داری که با جنگ اول جهانی آغاز شده بود ، عمیق یافت . در اثر بسط و عمق این بحران و وارد شدن آن به مراحل بعدی خود ، بنای قوتوت استعمار امپریالیستی فروریخت . در نتیجه پیروزی انقلاب اکتبر جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه داری وارد مرحله کیفی نوینی شد و به بسط و قدرت بیسابقه‌ای رسید و در عقول و افکار مردم جهان بانحاء گوناگون تحولات مهمی در جهت درک بهتر شرایط زیست اجتماعی و ضرورت مبارزه برای بهبود آن پدید آمد . جنبشهای اتحادیهای و صنفی ، جنبشهای زنان ، جوانان ، دستداران صلح و امنیت جمعی ، مخالفان نژاد گرایی و غیره و غیره ، هریک با چهره و قدرت و محتوی تازه‌ای به صحنه آمده‌اند . نقش سوسیالیسم

دمبلم در جهان بیشتر میشود و سوسیالیسم به عامل تعیین کننده سیر تاریخ آتی انسانیت بدل شده و هم اکنون ابتکار تاریخی را در دست دارد و از آنجمله گرایش تشنج زدائی که در اثر مساعی صلح خواهانه سوسیالیسم در انبوه متناقض حوادث امروزی پدید آمده گرایش مسط روز گلر ماست . سوسیالیسم بانکات پیروزی عظیم مادی و معنوی خویش حملات متقابل و هار امپریالیستی را که از سوئی باعوامفریبی در یاره حقوق بشر و از سوئی باتشدید مسابقه تسلیحاتی می‌خواهد تا معادل خود را حفظ و ناکامیهای خود را جبران کند ، با اقتداری سرشار از شکیب و متانت ، که ناشی از اعتماد بنفس تاریخی و حقانیت امر اوست طرد و رد میکند . بهره کشان پیروده تصور میکنند که میتوانند تاریخ را بقلب بر گردانند و بهشت گمشده ، خویش را باز یابند . تاریخ انسانیت معاصر تنها در آن بزرگراهی پویان است که مشعل فروزنده اکتبر آنرا روشن ساخته است . خلتهای جهان طی مبارزات مختلف راه سرمایه‌داری را که آهسته مضائب براری بشریت ببار آورده بتدریج رها میکنند و موقنیت های ، سوسیالیسم واقعی بیش از پیش مسئله راه رشد سوسیالیستی را با قوت و صراحت در برابر آنها مطرح میکنند . پیروزی سوسیالیسم علمی در دستور روز تاریخ قرار گرفته و بیش از پیش ثابت میشود که حل مضلاتی مانند جنگ ، بحران ، بیکاری ، جهل ، فقر ، تضاد فاحش طبقاتی ، ستم ملی و نژادی ، فساد و انحطاط ، و انواع معایب عمقی دیگر جوامع سرمایه‌داری تنها از عهده یک تحول بنیادی در جهت نظام سوسیالیستی علمی است .

تئلسب نیروها در جهان ما بیش از پیش بسود سوسیالیسم تغییر میکند و تقالهای مختلف امپریالیستی علی رغم این یا آن موقنیت محلی و موقت ، در قبال مبارزه نیروهای مترقی جهان و در پیشانیش آن احزاب انقلابی کارگری کشورهای سوسیالیستی ، بشکلی دمبلم ژرفتر و قطعی‌تر با ناکامی روبرو میشود .

دستاورد های عظیم اقتصادی شوروی بهترین دلیل درستی پیش بینی های پیشوایان پرلتاریای جهانی و آموزش سوسیالیسم علمی است . علیرغم مشکلات عظیم و کوه افکن ، در مدتی کوتاه برابر با شصت سال که عمر یک نسل را دربر میگردد ، اتحاد شوروی که پس از جنگ داخلی ، یعنی در سال ۱۹۲۱ تنها یک شصتم امریکا تولید صنعتی داشت ، اکنون در یک دنباله در صفحه ۲

پیام

نامه ای که با دو شعار زیر پایان داده بودید بدست ما رسید. ما نظریاتی را که در نامه داده بودید تأیید میکنیم. از تصمیم شما در باره پیوستن به حزب توده ایران بسیار خرسندیم و با اهمیت را به شما و به همه رفقای حزبی شادباش میگوئیم. دوستی که با شما تماس گرفته و راه برقراری پیوند با مرکز حزب را در اختیار شما گذارده اند مورد اطمینان کامل مینمایند. کارگری کشورمان! هرچه تمرینش تر باد کوشش نیروهای مترقی در جهت تحقق وظیفه مبرم کنونی جنبش یعنی وحدت کلیه نیروهای ضد رژیم در درون جبهه واحد!

سلسله از رشته های تولید معدنی و صنعتی و دامپروری و برخی عرصه های علم و فن از ایالات متحده امریکا پیشی گرفته و در مجموع بین ۸۰ تا ۹۰ درصد این کشور تولید میکند.

سهم اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اکنون در تولید جهانی به ۲۰ درصد یعنی بسی بیش از سهم ایالات متحده یا سهم کشور های باختری اروپا بالغ است.

درک این نکته دشوار نیست که اگر مشکلات عظیمی که امپریالیسم موجد آنها بوده وجود نداشت، اقتصاد سوسیالیستی با آهنگی سریع تر، پربایه رشد تشه های و موزون و متناسب، اکنون به دستاوردهای بسی شگرف تر نائل آمده بود. نتیجه تاریخی مهمی که از این مقدمه میتوان گرفت آنست که انقلاب اکثری ثمرات خود را نشان داد و صحت خود را بیوت رساند و مسلم شد که این یک «آزمایش» یا یک «مدل» اجتماعی نیست، بلکه آن راه اصلی تاریخی است که بشریت برای تکامل یعنی خود و بر اساس جبر تاریخی باید آنرا طی کند.

هم اکنون نیز اتحاد شوروی با وجود مشکلاتی که دشمن طبقاتی می آفریند و مسای فراوانی که مجبور است برای دفاع اطمینان بخش از دستاوردهای انقلاب مینوبل دارد، با موفقیت شالوده مانی و فنی جمله کمونیستی را که مرحله دوم عالی جامعه سوسیالیستی موجود است میریزد.

اتحاد شوروی در پیشرفت روند واحد انقلاب جهانی که از سه نیروی اساسی یعنی کشور های سوسیالیستی، جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه داری و جنبش رهایی بخش ملی در کشورهای جهان سوم تشکیل میشود و نیز در انواع جنبش های مترقی و دمکراتیک دیگر، تأثیر و نقش درجه اولی ایفا میکند.

بدون وجود عامل انقلابی متغیر و مجربی مانند اتحاد شوروی و امکانات وسیع و همه جانبه اش، بدون پیروزی عظیمی در فاشیسم آلمان و متحدش میلتراریسم ژاپن، بدون نقش کنونی وی در نبرد با امپریالیسم جهانی، بدون کمک های بلاشروط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی به نیروها و جنبشها و کشورهای انقلابی و دمکراتیک جهان، بیکار تمرینش این نیروها در قبال امپریالیسم متجاوز و ژاندارمهای تحت فرمانش، نلیل به موفقیت های یابدار کار دشوار و قریب به محال بود. احدی ذبیق نیست، از دیدگاه یک ملت گرائی تنگ نظران، این عامل عظیم تاریخی را نادیده بگیرد یا نقش آنرا کوچک کند.

در پرتو این عامل مؤثر تاریخی، طی دهه های اخیر، عدلهای از کشورها توانستند بشکل نسبی یا کامل از یوغ اسارت امپریالیسم و سرمایه داری رهایی یابند و برخی از احزاب و جنبشهای انقلابی و مترقی به تکمیل و گسترش بیسابقه های نائل آمده اند.

تصادفی نیست که رهبران این جریانات مترقی و جنبش های رهایی بخش بارها باری همه جانبه اتحاد شوروی را بخود با سیاس صمیمانه ای تصریح کرده و ستوده اند. اکنون جنبش رهایی بخش در جهان سوم، وارد مرحله دشوارتر نبرد برای استقلال اقتصادی و خانه دادن به دوران مبادله نا برابر با متروپل های امپریالیستی شده و در این مرحله نیز از یارهای پرارزش اتحاد شوروی برخوردار است.

از آنجا که اتحاد شوروی در روند واحد انقلاب جهانی، بعلت اعتماد و تجربه و مقام تاریخی خود، به طور عمیق و علیرغم پسندیدن یا نپسندیدن این یا آن، نقش مرکزی دارد و از آنجا که بدون همبستگی اجزای سه گانه این روند و بدون مراعات اکید اصل انترناسیونالیسم پرتلری، نه در گذران بل در کردار، در هم شکستن مملو است عنوانه و میلانه جبهه جهانی سرمایه میسر نیست، لذا حفظ همبستگی و همکاری اصولی با اتحاد

شوروی، در عین مراعات استقلال و ابتکار در تعیین و اجراء مشی سیاسی خویش یکی از شرایط حیاتی پیشرفت و پیروزی هر گردان انقلابی و انکار این اصل دور ساختن خلق از بزرگترین منبع قدرت و الهام و از بهترین دوست و مددکار خود است، چنانکه بارها مارکس و لنین تصریح کرده اند، در مقابل جبهه جهانی سرمایه که اکنون در وجود انحصارهای چند ملتی و برپایه تراکم بیسابقه سرمایه در مقیاس جهانی اتحاد خود را بسط میدهد، خیزش احزاب عمل انقلابی و گرد انهای رهایی بخش در غلاف ملی، مطلق کردن ویژگیهای ملی و محلی بزبان قانونمندیهای عام جنبش انقلابی و تضعیف پیوند همبستگی جهانی کمونیست ها و همه نیروهای مترقی که محتوی انترناسیونالیسم پرتلری عصر ماست، کوهه بینی سیاسی و ایراد ضربه سنگین خلق و جنبش است.

حزب ما طی تاریخ حیات دشوار خود، علیرغم شیوه های افراط و تفرات دشمن طبقاتی، نفی اصل انترناسیونالیسم پرتلری را در اشکال علی یامستور آن طرد و خود آنرا نه در لفظ و ادعا، بلکه در عمل سیاسی خویش پیگیرانه مراعات کرده است.

یکی از تشه های برجسته حاکمیت شوروی طی شصت سال گذشته در سیاست جهان، مبارزه پیگیر و مبتکرانه و همه جانبه در راه صلح و امنیت جمعی و دوستی و همکاری خاتمه بوده و هست. نبرد در راه صلح از ماهیت یک دولت سوسیالیستی می تراود و دولتی که خود را سوسیالیستی مینامد ذبیق نیست راه و خامت انگیزی و جنگ افروزی در پیش گیرد.

اتحاد شوروی علاوه بر ماهیت سوسیالیستی، بعلت تاریخ خود، بدستگی عمیق به صلح دارد. این کشور در جنگ دوم جهانی بیست میلیون کشته، دهها میلیون ماول، صدها کیلومتر خسارت و ویرانی متحمل شده است. لذا این کشور بیش از هر کشوری قاهر صلح را میداند. بویژه آنکه سوسیالیسم برای برجسته ساختن باز هم بیشتر برتریهای خود، برای نیل به سطح عالی دمکراسی و رفاه، علم و فرهنگ، با زده و بهره وری کار و غیره و غیره عمیقاً به صلح نیازمند است. لذا نبرد در راه و خامت زدائی، علیه جنگ سرد، بخاطر صلح و امنیت جمعی و دوستی و همکاری خاتمه،

علیه مسابقه خائنانه برانداز تسلیحاتی، محور مرکزی سیاست خارجی اتحاد شوروی است و علیرغم برده غلیظ دود افتراء و بهتان امپریالیستی، این نکته ای نیست که بر کسی پنهان مانده باشد. امپریالیستها و بر رأس آنها امپریالیسم غدار و متجاوز امریکا، در قبال سیاست صلح شوروی، دائماً دست به حملات تخریبی و تحریک آمیز میزنند و هر بار در تلاشند تا محیط تشنج بین المللی و مسابقه فزاینده تسلیحاتی و مخارج نظامی را حفظ و آنها را به سطح بالاتر و بالاتری تصاعد دهند و از راه بازگانی شوم و سود آور اسلحه و غارت منابع ثروت خاتمه کیسه بی ته و پایانب

سوداگران مرگ را بیش از پیش انباشته کنند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، نیروهای مترقی و صلح خواه سراسر جهان با پیگیری و سرسختی در راه هدف مقدس خود و سراسر انسانیت مبارزه میکنند. این امر که اکنون ۳۲ سال است علیرغم انباشت بیسابقه سلاح امحاء گر هسته ای، علیرغم وجود تضاد عمیق اجتماعی و اقتصادی بین سوسیالیسم و سرمایه داری، صلح حفظ شده و دولتی حفظ یابدار تر آن پدید گردیده است، در حجه اول به برکت اتحاد شوروی است.

سیاست صلح و همزیستی و تشنج زدائی مایه تقویت جنبشهای انقلابی و رهایی بخش و دمکراتیک و موجب تضعیف نیروهای ارتجاعی است. در شرایط نبرد علیه و خامت بین المللی است که کشور های مانند ویت نام، لاوس، کامبوج از تجاوز مستقیم و وحشیانه امپریالیسم امریکا، کشورهای مانند آنگولا، موزامبیک،

گینه بیسائو، کاب وردی از استعمار فاشیسم پرتغال، کشورهای مانند حبشه، اسپانیا، پرتغال، یونان از جنگ رژیمهای فاشیستی رهایی یافتند و جمهوری دمکراتیک آلمان از طرف کشورهای سرمایه داری برسویت شناخته شد و یکسلسله تحولات مثبت دیگر در مناسبات بین المللی رخداد.

امپریالیسم در تلاش ابلسانه خود علیه صلح و برای تجدید محیط تشنج از پشتیبانی رهبران پکن و رژیمهای ماوراء ارتجاعی برخوردار است. رهبران پکن اصل عنده مارکسیستی دفاع از صلح و علیه جنگ جهانی، اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مختلف اجتماعی و اقتصادی را که گاه در لفظ تأیید کرده اند، در عمل با سیاست تشدید و خامت و همکاری با جناح ماوراء ارتجاعی طبقات حاکمه سرمایه داری جانفش ساخته اند. دفاع از صلح و تشنج زدائی علیه مسابقه تسلیحاتی وظیفه مقدس هر انسانی است که بمسئولیت انسانی و اجتماعی خرد آگاه است. تشنج فزائی و تبلیغ آشکار یا در پرده جنگ و خامت، جنایت فجیعی است علیه سراسر بشریت.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر برای مین ما ایران، به تصدیق دوستان و حتی دشمنان این انقلاب، یک حادثه مثبت، رهایی آور و سعادت بخش بود، زیرا این انقلاب موجب لغو قرارداد های اسارتبار ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ داتر به تقسیم ایران بین امپریالیسم انگلستان و تساریسم روس، قرارداد اسارتبار ۱۹۱۹ داتر به تبدیل ایران به تحت الحمایه امپریالیسم انگلستان و نیز لغو یکسلسله امتیازات سیاسی، اقتصادی و نظامی تساریسم در ایران، لغو کابیتولاسیون و استقرار روابط برابر حقوق حسن همجواری بین ایران و همسایه شمالی شد. لنین بزرگ که از همان اوان مشروطیت حوادث انقلاب کشور ما را با دقت دنبال میکرد و ایستادگی مردم ایران را می ستود، در جریان مشروطیت جنبش انقلابی ایران را مورد حمایت مؤثر حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه (بلشویکها) که تحت رهبری او بود، قرار داد.

پس از استقرار حاکمیت شوروا، این کشور آغوش برادری را بسوی ایران گشود و از اختناق کشور ما بدست امپریالیستهای انگلیس و امریکا و آلمان جلوگیری بعمل آورد. مردم ایران تا جلودان مدیون یابری بیدریغ و برادرانه حکومت شوروی هستند و آنرا سیاس دارند و قدر می شناسند.

پس از استقرار حاکمیت شوروی، سیاست خارجی دولت شوروی در مورد کشور ما پیوسته متوجه تقویت استقلال اقتصادی و سیاسی آن بود. اتحاد شوروی نه فقط ایران را از هجوم دد منشا فاشیسم در اثر دفاع قهرمانانه از سرزمین خویش حفظ کرد، بلکه با نقشه انگلیسی و امریکائی تقسیم ایران پس از جنگ دوم جهانی که در واقع اجزاء نقشه ۱۹۰۷ بود مخالفت ورزید و موجب شکست این نقشه جنایت بار شد.

در سالهای اخیر ببرکت اتحاد شوروی، تسلیم صنعتی شدن کشور که امپریالیستها عالماً و عامداً در آن خرابکاری میکردند، شکسته شد و تا این تاریخ نیز آنچه که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در کشور ما احداث کردند (مانند کارخانه های ذوب آهن و ماشین سازی و غیره) جملی ترین مبانی صنعتی شدن کشور را بوجود آورده و سیاست تجزینی غارتگرانه و سود ورزانه امپریالیستها در اقصاء انواع اشکال نو استعماری کماکان ادامه دارد.

تأثیر همسایگی شوروی نه فقط در اعتلاء سیاسی و اقتصادی، بلکه در بیداری کشور ما تأثیری عظیم بود. نیروهای مترقی و انقلابی ایران پیوسته از پشتیبانی مؤثر و همه جانبه دولت شوروا را در نبردشان بخاطر استقلال و دمکراسی، صلح و سوسیالیسم برخوردار بوده و هستند.

۱۰

حزب توده ایران اتحاد شوروی را قاهرانگشا در تاریخ بشریت و تمکیه گاه عمده تکامل تاریخ معاصر میشمرد و با حزب کمونیست شوروی دوستی برادرانه و برابر حقوق خود مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرتلری و اعتماد متقابل حفظ کرده و خواهد کرد. شائزتی قاهر نخواهد بود، حزب را از راه درک و آگاهی علمی و وجدان طبقاتی برگزیده است، منحرف سازد. حزب توده ایران بر آنست که این هر نیروی مین پست دیگری نیز که میخورد بسوی صلح، ترقی، دمکراسی و استقلال را، بردارد، ضرور است. بهمین جهت رهبران جنبش مانند شیخ محمد خیابانی، کاتل محمد پسیارت و امثالک، مصلحت السلطنه، سلیمان محسن اس، ملکشاعرها بهار و دیگران اهمیت دوستی با را بارها متذکر شده اند.

حزب توده ایران این اصل را فدای منافه آنی، محاسبات ناسیونالیستی، جلب وجهه در عوامفریبی نمیکند. بنظر حزب ما رابطه با اتحاد سنگ صحت صداقت نسبت به مین خود و نسبت به آموزش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم به امر انقلابی پرتلریای جهانی است. تجربه سال اخیر در مورد کشورهای مختلف جهان نشان داده است که روش ضد شوروی، با استدلالی که «توجه» شود و هر بهانه ای که تعقیب آن عرضه گردد، سرانجام به منجاب اس و شکست می انجامد. درست بهمین جهت اس امپریالیسم روش ضد شوروی را به محور تبلیغ کمونیستی خود بدل کرده است. درست بهمین جهت است که حزب ما چنین روشی را خیانت بملک خود و خاتمه ای جهان میداند و طرد و رد میکند.

رقفای عزیز حزبی، دوستداران و هواداران توده ایران! زنان و مردان مترقی مین ما! حزب مائشتمین سال انقلاب برافشار سوسیال اکبر را بشما تبریک میگوید، زیرا این ا صحیفه ای است از تاریخ جهان و متعلق بخلق نیست و خلق ما از هر پاره، حق و وظیفه دارد که این جشن خود را شریک شمرد.

وظیفه ماست که آموزش کبیر مارکس - لنینیسم را به شکل ناقص و جسسه گریخته، بطور جامع و عمیق و در تکامل امروزی آن، فراگ یابند و اوقیت اتحاد شوروی و سوسیالیسم موجود بشناسیم! پرده های سنگین دروغ، سفسطه و علیه شوروی و جامعه نوین سوسیالیستی را بکنار و تاریخ مشخص تکامل این جامعه، دستاوردهای آن، تکامل آتسی و خدمات جهانی - تاریخی بفرستی در بیایم! درک این واقعیت نیروی ایمان و قدرت دوران ساز انقلابی آنر اتقوت میکند و حقه آرمان انقلابی را به ثبوت میرساند. در راه صلح و خامت زدائی، علیه سازشکاری با امپریالیسم که ارتجاعی ایران دنبال میکند، علیه تبدیل ایران به اسلحه و ژاندارم منقظه مبارزه کنیم! بخاطر تح روابط دوستی همه جانبه ایران، و کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای رهایی بخش بکوشیم! مدافع دوستی با شوروی، مروج اندیشه های سوسیالیسم علمی با افتراء زندگان به سوسیالیسم و به اتحاد شوروی تحریف گران «چپ» و راست تئوری انقلابی را مایبند بین خاتمه و نیروهای عنده انقلابی عصر ما، و تفرقه بیاندازند بر ملا سازیم! برای اتحاد کلیه نیروها ضد دیکتاتوری، منظور پایان دادن و سرنگون ساختن یغلی شوم استبداد و دستگاه ترور و اختناق و اسد آزادیهای دمکراتیک مبارزه کنیم!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
مرداد ۱۳۵۶